

Strategic Plan for Enhancing Ethnic Convergence in Iran

*Iraj Karami*¹

*Bahram Bayat*²

*Mojtaba Maghsoudi*³

*Jamal Shafiee*⁴

Type of article: A research paper extracted from the dissertation

Received: 02/06/2025

Accepted: 13/08/2025

NAJA Strategic Studies Quarterly/Vol.10/NO.3 (serial 37)/Autumn 2025*141-172



DOI: 10.22034/ssj.2025.1282000.1727

Abstract

Background and aim: Ethnic convergence is a key concept in social, political, and security studies, aiming to find ways for coexistence in a multicultural society. This research seeks to identify environmental factors affecting ethnic convergence and propose strategies to enhance it.

Method: This study is applied in purpose and descriptive in data collection, conducted using David's strategic planning method. The research stages include evaluating internal factors (strengths and weaknesses) and external factors (opportunities and threats), defining the vision and values, formulating strategic policies, and ultimately constructing the Quantitative Strategic Planning Matrix (QSPM). The study population comprised professors, academic faculty, and researchers in the field of ethnicity and related institutions, with a purposive sampling method selecting 52 individuals.

Results: The results indicate that ethnic convergence in Iran is in a conservative state regarding strengths and weaknesses and in a defensive state oriented toward threats concerning opportunities and threats. In the QSPM matrix, the highest strategic score was attributed to WT (defensive) strategies.

Conclusion: The strategic position of ethnic convergence in Iran is defensive, and four strategies were developed: 1) Addressing the sense of relative deprivation to counter the influence of foreign media on ethnic divergence; 2) Avoiding an exaggerated security-oriented approach to ethnic issues to mitigate divergence consequences; 3) Countering the foundations of religious extremism to address the impacts of radical fundamentalism in the region; 4) Avoiding dogmatism in administrative and executive structures to combat social injustice and divisive ethnic consequences. These strategies were formulated alongside essential requirements and solutions.

Keywords: Ethnic convergence, national cohesion, ethnicity, strategic plan, national identity.

1-PhD Candidate, National Security Studies, National Defense University, (author responsible) irajkarami3@yahoo.com

2-Professor and Faculty Member, National Defense University, bahram.bayat@gmail.com

3-Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Tehran, Iran maghsoudi42@yahoo.com

4-Assistant Professor, Security Department, Imam Baqer University, Tehran, Iran, j.shafiee@sndu.ac.ir

طرح راهبردی ارتقای همگرایی قومی در ایران

ایرج کرمی^۱

بهرام بیات^۲

مجتبی مقصودی^۳

جمال شفیعی^۴

نوع مقاله: مقاله پژوهشی مستخرج از رساله دکترا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۲

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا/ سال دهم/ شماره ۳ (پیاپی ۳۷) - پاییز ۱۴۰۴: ۱۷۲-۱۴۱



DOI: 10.22034/ssj.2025.1282000.1727

چکیده

زمینه و هدف: همگرایی قومی از مفاهیم کلیدی در مطالعات اجتماعی، علوم سیاسی و امنیتی است که به دنبال یافتن راه‌هایی برای هم‌زیستی در یک جامعه چندفرهنگی است. این پژوهش با هدف شناسایی عوامل محیطی مؤثر بر همگرایی اقوام تلاش دارد تا راهبردهایی را برای ارتقای همگرایی قومی ارائه دهد.

روش: این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها توصیفی است که با استفاده از روش برنامه‌ریزی راهبردی دیوید، انجام شده است. مراحل پژوهش شامل ارزیابی عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) و خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها)، تعریف چشم‌انداز، ارزش‌ها، تدوین سیاست‌های راهبردی و در نهایت تشکیل ماتریس QSPM است. جامعه این پژوهش شامل اساتید و اعضای هیات علمی و پژوهشگران حوزه قومیت و نهادهای مرتبط و روش نمونه‌گیری با روش نمونه‌گیری هدفمند بوده که تعداد ۵۲ نفر تعیین شدند.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد همگرایی قومی در ایران از نظر نقاط قوت و ضعف در وضعیت محافظه کارانه و از نظر تهدید و قوت در وضعیت تدافعی معطوف به تهدید قرار دارد. در ماتریس (QSPM) بیشترین راهبرد و امتیاز راهبردی به راهبردهای WT یا تدافعی تعلق گرفت.

نتیجه‌گیری: موقعیت راهبردی همگرایی قومی در ایران در وضعیت تدافعی قرار داشته و در این زمینه چهار راهبرد به انضمام الزام‌ها و راهکارهای اساسی تدوین شد. این راهبردها به شرح زیر هستند: ۱- رفع احساس محرومیت نسبی به منظور مقابله با تأثیرگذاری رسانه‌ای بیگانگان در واگرایی اقوام؛ ۲- اجتناب از نگاه امنیتی و اغراق‌آمیز در مسائل قومی به منظور مقابله با پیامدهای واگرایانه؛ ۳- مقابله با بسترهای ترویج افراطی‌گری مذهبی به منظور مقابله با پیامدهای بنیادگرایی افراطی در منطقه؛ ۴- اجتناب از جزم‌اندیشی در ارکان اداری و اجرایی کشور به منظور مقابله با بی‌عدالتی اجتماعی و پیامدهای اختلاف افکنانه در اقوام.

واژگان کلیدی: همگرایی قومی، انسجام ملی، قومیت، طرح راهبردی، هویت ملی.

۱- دانشجوی دکتری تخصصی مطالعات امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول).

irajkarami3@yahoo.com

۲- استاد گروه مطالعات امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران. bahram.bayat@gmail.com

۳- استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. maghsoodi42@yahoo.com

۴- استادیار گروه امنیت، دانشگاه امام باقر (ع)، تهران، ایران. j.shafiee@sndu.ac.ir

مقدمه

ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود همواره محل تلاقی فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف بوده و این امر موجب شکل‌گیری تنوع هویتی و قومی گسترده‌ای در کشور شده است. این تنوع در قالب اقوام مختلف با زبان، آیین، پوشش و رسوم متفاوت نمود یافته و دست‌کم ۲۱ گروه قومی را شامل می‌شود. در تاریخ معاصر ایران، اقوام در بزنگاه‌های مهم مانند جنگ‌ها و بحران‌ها، وفاداری خود به کشور را نشان داده‌اند، اما در عین حال در مواقعی نیز به دلیل ضعف در عملکرد دولت‌ها و بی‌توجهی به مطالبات، دچار نارضایتی شده‌اند که در برخی از موارد باعث بی‌ثباتی شده است. این نارضایتی‌ها گاهی با شکاف‌های زبانی و مذهبی هم‌پوشانی داشته و تهدیدی برای امنیت و انسجام ملی محسوب می‌شود، به‌ویژه زمانی که عوامل خارجی از آن سوءاستفاده می‌کنند.

در این زمینه، می‌توان دو نگاه به مسائل قومی داشت: یکی نگاه سلبی که قومیت را تهدیدی علیه وحدت ملی می‌بیند و دیگری نگاه ایجابی که آن را منبعی برای توسعه و سرمایه انسانی قلمداد می‌کند. نگاه دوم اگرچه دستیابی به آن دشوارتر است، اما با توجه به ظرفیت‌های بالای اقوام در ایران، امکان‌پذیر است. معیار مشترک هر دو نگاه، سطح همگرایی اقوام با حاکمیت ملی است. هرچه این همگرایی کاهش یابد، خطر واگرایی قومی و حتی فروپاشی بیشتر می‌شود.

باوجود اهمیت بالای این موضوع، هنوز سیاست جامع و منسجمی برای ارتقای همگرایی قومی در کشور تدوین نشده است و اقدام‌های پراکنده‌ای که صورت گرفته، عملاً کمکی به کاهش شکاف‌ها نکرده است. حتی برخی سیاست‌ها مانند توزیع مناصب سیاسی بین اقوام، به جای حل مشکل، آن را تشدید کرده‌اند؛ چرا که همگرایی واقعی نیازمند مشارکت برابر و شایسته‌سالارانه است نه تقسیم نمادین قدرت. اصول قانون اساسی مانند برابری، کرامت انسانی، آزادی اندیشه و منع تبعیض می‌توانند مبنایی برای حل مسئله باشند؛ اما متأسفانه کمتر مورد توجه و گفتمان‌سازی قرار گرفته‌اند.

یکی از کاستی‌های مهم، نبود آموزش چندفرهنگی است؛ یعنی ندانسته‌ایم چگونه با تفاوت‌ها زندگی کنیم. به جای توسعه فرهنگی، صرفاً با واگذاری

پست‌ها خواسته‌ایم مسئله قومیت را حل کنیم، غافل از آن که مسائل عمیق‌تری مانند فقر، تبعیض، نگرش امنیتی و مهاجرت‌های قومی وجود دارد. بنابراین، نیازمند تلاشی شناختی و راهبردی برای حل مسائل اقوام و تبدیل تهدیدهای قومی به فرصت‌های همگرایی و توسعه هستیم. این امر مستلزم تدوین طرحی جامع با چشم‌انداز، اصول، اهداف، راهبردها و راهکارهایی روشن برای ارتقای همگرایی قومی است. چنین طرحی می‌تواند به حل چالش بین مطالب‌های قومی و همبستگی ملی کمک کند و مسیر امنیت و توسعه پایدار را در کشور هموار سازد.

تحقیق حاضر بر این فرض بنا شده که قومیت از عوامل مهم در ثبات و امنیت ملی است و بدون توجه به آن، نمی‌توان آینده‌ای امن برای کشور متصور شد. این تحقیق در پی آن است که از طریق شناخت علمی مسئله و طراحی راهبرد مناسب، زمینه کاهش شکاف‌های قومی، افزایش ثبات سیاسی و بهبود سیاست‌گذاری را فراهم کند. نبود طرح راهبردی منسجم در این حوزه، می‌تواند منجر به ناتوانی در مدیریت شکاف‌ها، بروز مقاومت‌های قومی، نبود چارچوب‌های اجرایی مناسب، و در نهایت، ناهماهنگی با چشم‌انداز کلان جمهوری اسلامی شود.

پرسش اصلی تحقیق این است که طرح راهبردی ارتقای همگرایی قومی در ایران چه اجزا، عناصر و الزام‌هایی دارد؟ و به دنبال آن پرسش‌های فرعی شامل: مبانی و اصول طرح چیست؟ ارکان جهت‌ساز آن کدام‌اند؟ محیط‌شناسی قومی ایران چگونه است؟ چه راهبردهایی برای ارتقای همگرایی وجود دارد؟ راهکارهای اجرایی چیست؟ این پرسش‌ها پایه‌گذار پژوهشی است که می‌کوشد همگرایی قومی را به موضوعی امنیتی‌زا و توسعه‌آفرین تبدیل کند.

پیشینه

عموزاد خلیلی و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و مقایسه ابعاد هویت قومی و هویت ملی در اقوام ترکمن» به بررسی و مقایسه ابعاد مختلف هویت قومی و هویت ملی در میان اقوام ترکمن می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که در میان این اقوام، هویت ملی و هویت قومی هم‌زمان وجود دارند و

تعامل میان آن‌ها به گونه‌ای است که به زیست مسالمت‌آمیز اقوام در نظام جمهوری اسلامی ایران کمک می‌کند.

قنبری و ظهیری نیا (۱۴۰۲) با انتشار مقاله‌ای با عنوان «هویت قومی در جامعه ایرانی: همگرایی یا واگرایی (مرور نظام‌مند مطالعات کمی از ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۱)» با مرور نظام‌مند ۴۸ پژوهش کمی انجام‌شده در ایران، به بررسی رابطه بین هویت قومی و هویت ملی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که در میان اقوام ایرانی، هویت ملی غالب است و بیش از ۸۵٪ افراد به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند. در عین حال، هویت قومی نیز دارای اهمیت است، اما گرایش به واگرایی قومی یا رفتارهای خشونت‌آمیز مشاهده نمی‌شود.

لجمیری و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «فرا تحلیل رابطه بین هویت قومی و دلبستگی ملی» با استفاده از روش فراتحلیل، به بررسی رابطه میان هویت قومی و دلبستگی ملی در ایران می‌پردازد و نتایج مطالعات مختلف را تجزیه و تحلیل می‌کند که اذعان می‌دارد هویت قومی به میزان ۳۰ درصد بر دلبستگی ملی تاثیر دارد. که مقداری قابل تامل است.

پوررجبی و مجدی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل مؤثر بر بحران قوم‌مداری در تضعیف همبستگی ملی» به این نتیجه دست یافته‌اند «ایران با توجه به شرایط جغرافیایی و تاریخی و نیز به لحاظ ساختاری و ذاتی مشتمل بر انواع شکاف‌ها و تفاوت‌های اجتماعی، قومی و مذهبی است بنابراین حضور و وجود ملموس اقوام، اقلیت‌ها، اقشار و خرده فرهنگ‌های متنوع انواع تمایزها، تفاوت‌ها و تفکیک‌ها در آن به وجود خواهد آورد. یافته‌های این پژوهش نشان داده است. در بین عوامل مختلف نمی‌توان از اثر سیاست‌های قومی که دولت‌های مختلف در بروز و تنش بین اقوام و حکومت مرکزی و یا پذیرش نظام مستقر از سوی اقوام چشم پوشی کرد، در واقع هر زمان که دولت‌ها توانستند سیاست‌های قومی‌شان را هژمونیک سازند، بی‌تردید در بین اقوام نوعی اراده مثبت برای حفظ نظام سیاسی مستقر و نوعی تعلق نسبت به هویت و همبستگی ملی شکل خواهد گرفت که به همبستگی ملی منجر خواهد شد».

دشتی و عیوضی (۱۳۹۸) در مقاله ای با عنوان «عوامل موثر در ارتقا همگرایی اقوام ایرانی در عصر جهانی شدن» به این نتیجه رسیده اند که «همگرایی ملی یکی از اساسی ترین مباحث حیات کشورهاست که به سبب آن بقا و دوام آن درطول زمان میسر می شود. ایران از جمله کشورهای دارای اقوام زیاد است که وجود تنوع قومی و فرهنگی در آن لزوم سیاست قومی و مدیریت سیاسی کارآمد مدبرانه و عقلانی را ایجاب می کند بنابراین شناسایی اولویت بندی عوامل موثر در ارتقای همگرایی و انسجام ملی نقش بسیار تعیین کننده ای در ترسیم و طراحی الگوی مدیریتی اداره اقوام در کشور را داراست همچنین مجموعه ای از عوامل در این فرایند تاثیر گذارند و آنچه که امروز ما به آن نیاز داریم چگونگی اعمال این عوامل براساس اصول علمی در سیاست های کلان قومی است از این رو توجه به اولویت ها پرهیز از نگرش تک بعدی و روزآمدی عوامل نقش زیادی در ارتقای همبستگی و همگرایی ملی دارد در این پژوهش عوامل شناسایی شده مرتبط با سطح همگرایی اقوام ایرانی در مولفه های سه گانه سیاسی اقتصادی و فرهنگی موثر و اولویت بندی آنان نیز مشخص گردیده است.

صفوی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله ای با عنوان «نقش اقوام در انسجام و تحکیم قدرت ملی» معتقدند «یکی از ویژگی های کشورهایی که تنوع قومی و مذهبی دارند، طراحی و اجرای مدل و سیاست قومی است. براساس یافته های این پژوهش مدل ها و سیاست های قومی در هر کشوری متناسب با ویژگی های جغرافیایی، انسانی، نظام حاکم بر مدیریت سرزمینی و مانند آن ها متفاوت است؛ به نحوی که نمی توان سیاست مختص به کشوری را بدون توجه به شاخص ها و مؤلفه های بومی آن سرزمین اجرایی کرد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که الگوهای سیاست قومی در جمهوری اسلامی ایران نمی تواند الگویی خاص از مدل های کشورهای دیگر باشد، بلکه بر پایه سیاست های چندگانه یادشده الگوی بومی در زمینه سیاست قومی، مطابق با سیاست های مطالعه شده، الگویی است که باید به انسجام ملی و همگرایی اقوام

و نهایتاً تحکیم قدرت ملی متمرکز باشد. الگویی که افزون بر انسجام ملی مانع از حذف هویت خرده فرهنگ‌ها باشد.

مارتا گیل^۱ (۲۰۲۵) در مقاله ای با عنوان «ادغام اجتماعی مهاجران در بریتانیا: یک داستان موفقیت‌آمیز» به بررسی موفقیت‌های بریتانیا در ادغام مهاجران می‌پردازد. نرخ اشتغال مردان مهاجر بالاتر از مردان بومی است (۸۲٪ در مقابل ۷۸٪)، و دانش‌آموزان مهاجر نسل دوم در آزمون‌های بین‌المللی عملکرد بهتری دارند. همچنین، کاهش جداسازی قومی و افزایش خانواده‌های با قومیت‌های مختلط نشان‌دهنده همگرایی اجتماعی در این کشور است. هگر^۲ و همکاران (۲۰۲۳) در مقاله ای با عنوان «ادغام هویت قومی و هویت علمی در دانشجویان جزایر اقیانوس آرام» بررسی می‌کند که چگونه دانشجویان جزایر هاوایی، پلینزی و میکرونزی (NHPI) هویت قومی خود را با هویت علمی ادغام می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که ادغام موفق این هویت‌ها می‌تواند باعث افزایش تعلق به جامعه علمی و بهبود عملکرد تحصیلی شود.

در میان نکات اشتراک پژوهش حاضر و سایر تحقیقات انجام شده، می‌توان به پرداختن به موضوع قومیت و اهمیت آن در انسجام و همبستگی ملی اشاره کرد که در این پژوهش نیز بر آن تأکید می‌شود. اما وجه تمایز مهم این پژوهش با سایر تحقیقات در نگاه کاربردی آن است در حالی که سایر پژوهش‌ها بیشتر به نقش دولت‌ها و برنامه‌ریزی رسمی محدود شده‌اند. این مقاله تلاش می‌کند از طریق طراحی یک طرح راهبردی برای ارتقای همگرایی قومی، خلأ موجود در تحقیقات پیشین را تا حدی جبران کرده و نگاهی جامع‌تر به موضوع داشته باشد. همچنین، از نظر روش‌شناسی، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش آمیخته، امکان تحلیل محیطی عمیق‌تری را فراهم می‌کند. از جمله نکته‌های مغفول در پژوهش‌های قبلی این است که همگرایی فرایندی دوسویه است و نیاز به هدایت دارد؛ همچنین بسیاری از تحقیقات با رویکردی تهدیدمحور و سلبی به موضوع قومیت پرداخته‌اند، در حالی که این پژوهش با

1- Martha Gill

2- Heather D. Haeger

دیدنی ایجابی و رو به جلو به امکان همگرایی توجه دارد. درواقع، نگاه فرصت‌محور و طراحی راهکارهای اجرایی در راستای تحقق راهبردهای همگرایی در سایر پژوهش‌ها کمتر دیده می‌شود. همچنین می‌توان گفت که در عمده تحقیقات گذشته، مطالعات در سطح شناخت‌شناسی متوقف شده‌اند و تمرکز آن‌ها بر شناسایی عوامل موثر بر قومیت بوده است اما کمتر به این مسأله پرداخته شده که چگونه می‌توان این شناخت‌ها را به سیاست‌گذاری مناسب، انتخاب راهبردهای مؤثر و اجرای موفق راهکارها تبدیل کرد. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این خلأ است.

مبانی نظری

هویت خواهی اقوام ایرانی

مطالبات هویت خواهانه در بین اقوام ایرانی در دوره‌های مختلف، به شیوه‌های متفاوتی ظهور و بروز یافته است. این اقوام با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی هر دوره شیوه مطالبه‌گری هویت خواهانه متفاوتی را از خود نشان داده‌اند تحقیقات مختلف در این باره حاکی از آن است که تضعیف دولت و مواجهه آن با بحران‌های سیاسی اقتصادی و اجتماعی فرصتی برای پیگیری اهداف هویت خواهی قومیت‌ها به‌دست داده است و کشمکش آن قومیت را با دولت مرکزی در پی داشته است (امیراحمدی، ۱۹۸۷: ۳۶۳-۳۹۱). در واقع این گونه می‌توان رابطه مستقیم بین کاهش قدرت کنترلی دولت و بحران‌های دولت و قومیت‌ها را شاهد بود (رمضان زاده، ۱۳۷۷: ۲۱۷-۲۵۷). در ادامه مروری بر برخی از مطالبات هویت خواهانه مهم اقوام ایران خواهیم داشت.

عمده‌ترین گروه قومی در ایران که به تنهایی ۵۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند فارس‌ها هستند (البته همچنان که ارائه شد بسیاری از مناطقی که معمولاً فارس یا فارس‌نشین قلمداد شده‌اند زبان و فرهنگ خاص خود را دارند بسیاری از ملی‌گرایان ایرانی در تعریف ایران از لفظ فارسی و ملت فارس و امثال آن استفاده می‌کنند برخی نیز هرگاه از قوم فارس نام می‌برند آن را مترادف با فارس به کار می‌برند. از چنین دسته‌بندی‌هایی نتیجه ایران -

فارس استنباط می‌شود یکی از نمونه‌های این گفتمان مصاحبه دستیار رئیس جمهور وقت در امور اقوام علی یونسی است که در یکم اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۷ شمسی در روزنامه قانون چاپ شده است. در این مصاحبه یونسی به صراحت به فارس بودن ترک‌ها اشاره می‌کند و بیان می‌کند «آذری‌ها هم زبان فارسی و هم تبار فارسی دارند». نادیده گرفتن هویت قومی ۵۰ درصد از ساکنان غیر فارس زبان این سرزمین و بخشیدن هویت ملی فراقومی به ایشان تحت عنوان کلی ایرانی راه را برای بدوی، ایلپاتی و حاشیه‌ای معرفی کردن سایر هویت‌های قومی هموار می‌کند و پذیرفتن هویت فارسی زیر لوای هویت ملی ایرانی را بدیهی و ضروری جلوه می‌دهد.

بعد از فارس‌ها، ترک‌ها پرجمعیت‌ترین قوم ایرانی‌اند. سابقه عمده مطالبات قومی این گروه به کمتر از یک قرن باز می‌شود. برجسته‌ترین نمونه آن اعلام استقلال جمهوری آذربایجان به رهبری جعفر پیشه‌وری بود که عمر چندان طولانی نداشت. تمایلات پان ترک‌یستی متأثر از اندیشه اقوام ترک‌تبار امپراتوری روسیه در ایران از گذشته وجود داشته است و در دوره معاصر موجد حکومت جمهوری آذربایجان در تبریز نیز شده است (احمدی، ۱۳۸۳).

در چند سال اخیر جنبش هویت طلبی در آذربایجان ابعاد جدیدی یافته است و به نظر می‌رسد که با گسترش نفوذ خود در میان مردم اشکال متنوعی نیز پیدا کرده است. مرزهای هویت طلبی عده‌ای با آموزش زبان مادری در مدارس و ترویج سنن بومی به انتها می‌رسد، گروه‌های دیگری با توسل به فدرالیسم هویت خود را تعریف می‌کنند و سرانجام شاخه سوم از هویت طلبان استقلال کامل و جدایی از کشور را گزینه مناسب خود می‌دانند اما آنچه بیشتر نمود واقعی دارد این مطلب است که مطالبات هویت خواهانه ترک‌های ایران به صورت عمومی یک مطالبه اجتماعی و عدالت محور است که از کانال مطالبات مدنی مطرح می‌شود و البته با مکانیسم‌هایی از قبیل کانال‌های ماهواره‌ای ترکیه و آذربایجان نیز تحریک و تشدید می‌شود و نسل جوان و امروزی ترک / آذری را به شدت تحت تأثیر قرار داده است اما گاهی فعالان مدنی از جانب دولت و حاکمیت سرکوب می‌شوند و از جانب تندروها

مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند نمونه‌هایی از مطالبه‌های هویت‌خواهی را می‌توان در رخدادهای فرهنگی و ورزشی از جمله مسابقه‌های فوتبال و طرفداری از تیم تراکتورسازی مشاهده کرد. اگرچه در ایران فعالیت احزاب معاند نظام ممنوع است اما احزابی خارج از ایران فعالیت دارند که بعضی از آن‌ها اهداف استقلال طلبانه را دنبال می‌کنند، از جمله می‌توان به احزاب اتحادیه ملی دموکراتیک آذربایجان تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان، حزب سوسیال دموکرات آذربایجان حزب دموکرات آذربایجان جنوبی اشاره کرد.

جریان غالب ناسیونالیستی کرد کرد یک جریان ازلی گراست به‌زعم آن‌ها ملت کرد یک موجودیت ازلی است؛ بنیادی طبیعی که ریشه در سرشت کردها دارد و هویت مردم و اجتماع را در مسیر تاریخ تعیین می‌کند (ولی، ۱۳۹۷: ۸۹). مطالبات قومی کردها به سبب جمعیت بالای آنان در خاورمیانه و جمعیت نزدیک به ۹ درصدی از جمعیت ایران اندکی متفاوت و پیچیده است کردها خود را بزرگترین ملت بدون دولت می‌نامند سابقه مطالبات هویت‌خواهانه کردها در ایران نیز به کمتر از یک قرن پیش باز می‌شود هر چند در کشورهای ترکیه و سوریه و عراق مطالبات قومی و هویت‌خواهانه به صورت پراکنده وجود داشته است، اما آنچه به یک جریان تاریخ‌ساز منجر شده است به‌طور مشخص، از سال ۱۳۲۴ شمسی و با تأسیس جمهوری خودمختار کردستان به مرکزیت مهاباد به رهبری قاضی محمد اتفاق افتاد. طرح این اقدام پیشتر از طریق سازمان مخفیانه‌ای به نام کومله ژک، که بعد با نام حزب دموکرات کردستان ایران شناخته شد پایه‌ریزی شده بود با اعلام استقلال جمهوری آذربایجان به رهبری پیشه‌وری، جمهوری کردستان نیز اعلام استقلال کرد اما پس از یازده ماه و با سرکوب و انحلال جمهوری مهاباد، مطالبات قومی کردها نیز به انزوا رفت. با شروع اعتراض‌ها و شکل‌گیری انقلاب اسلامی حزب دموکرات خود را دوباره سازماندهی کرد و احزاب دیگری همچون کومله و سازمان خبات شکل گرفتند اما حرکت‌های سیاسی این گروه‌ها پس از چند سال درگیری و تعقیب و گریز سرکوب شد و آنان به کردستان عراق رانده شدند. اکنون مطالبات قومی و هویت‌خواهانه کردهای ایران شکل جدیدی به خود گرفته است؛ هویت‌خواهی

کردها اکنون در قالب نهادها و سازمان‌های مدنی و فعالیت‌های فرهنگی و هنری خود را بازنمایی می‌کند اگرچه احزاب سیاسی مسلح هویت طلب در خارج از کشور همچنان فعالیت دارند، اما نفوذ و پایگاه نهادهای مدنی به مراتب بیشتر از این احزاب سیاسی است.

از دیگر اقوام ایرانی که همواره مسائل و چالش‌های هویت خواهانه داشته اند و دارند عرب‌های ساکن در جنوب ایران‌اند که بیشتر آن‌ها در استان خوزستان ساکن هستند پیشینه مطالبات سازمان یافته هویت خواهانه این قوم به حدود هفتاد سال پیش بر می‌گردد در سال ۱۳۲۴ شمسی جنبش ناسیونالیست عرب، جبهه التحریر خوزستان، فدائیان خلق عرب و حزب کارگران عرب شکل گرفتند این گروه‌ها، در مقاطع مختلف تاریخی و همچنین بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ شمسی به نشر عقاید و اهداف خود می پرداختند و اقدامات نظامی هم انجام می‌دادند اما با شروع جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۵۹ شمسی مسائل قومی خوزستان تحت الشعاع و وضعیت جنگی منطقه قرار گرفت و میزان فعالیت آن‌ها کاهش یافت و به صورت پنهانی و مخفی درآمد.

احزاب و جریان‌های هویت خواه عرب در خوزستان در دو سطح متفاوت مطالبه گری می‌کنند. در سطح اول خواهان استقلال کامل خوزستان از ایران و تشکیل دولت مستقل عرب زبان هستند. اما بعضی از تشکلهای و احزاب خواهان تشکیل یک نظام فدرال در ایران‌اند که ایالت خوزستان یکی از ایالت‌های پیشنهادی آنان است. علاوه بر این جریان‌های سیاسی که احزاب آن‌ها در ایران فعالیت قانونی ندارند، چند حزب دیگر به نام‌های الجنته الوفاق و آفاق وجود دارند که در جریان‌های، سیاسی از قبیل انتخابات، موجب جذب مشارکت می‌شوند و این‌گونه وجه اساسی از هویت خواهی اعراب در ایران حول پدیده خلق عرب شکل گرفته است (نبوی، ۱۳۸۶، به نقل از احمدی، ۱۳۸۳) که با بهره از احساس تعلق اعراب ایران به هویت، جمعی به صبغه ناسیونالیسم عربی خارج از مرزهای ایران گرایش دارد (میلانی، ۱۳۸۵).

بلوچ‌ها همانند بخشی از کردها از دو جهت با قومیت غالب ایران دارای تمایز هویتی هستند، هم از لحاظ زبانی و هم از جهت مذهبی همان طور که

پیشتر گفته شد بلوچ‌ها دارای زبان بلوچی و سنتی حنفی هستند. تقسیم شدن بلوچستان در سال ۱۸۷۹ میلادی بین ایران و هندوستان (پاکستان کنونی) موجب ایجاد مرزهای سیاسی بین این قوم یکپارچه شد وجود تبعیض قومی از دو طرف ایران و پاکستان موجب برانگیخته شدن احساسات قوم گرایانه و طرح مطالبات قومی از جانب بلوچ‌ها شود. شکاف مذهبی، تبعیض اقتصادی و وجود روابط مرکز - پیرامون موجب تشدید مطالبات شده است به‌نحوی که در دهه‌های اخیر احزاب و تشکلهای مختلفی سازماندهی شده‌اند که در برخی موارد باعث اقدامات و فعالیت‌های نظامی و مخرب شده است وجود طالبان و القاعده در افغانستان و پاکستان تحریک‌های هویت خواهانه بلوچ‌ها را در هر دو وجه مذهبی و قومی تشدید کرده است در این میان در چند دهه گذشته تشکلهایی در بلوچستان ایران شکل گرفت رادیکال‌ترین این گروه‌ها «جندالله» بود که با دستگیری عبدالملک ریگی، سرکرده این گروه، تقریباً منحل شد اما اکنون مطالبات قومی بیشتر در قالب فعالیت‌های مدنی، فرهنگی و اجتماعی صورت می‌گیرد همچنین به سبب حضور فعالان بلوچستان در فضای مجازی به‌ویژه در سال‌های گذشته مطالبات هویت خواهانه و قومی بلوچستان شکل ملایم‌تر و مدنی‌تری به خود گرفته است.

هویت خواهی و مطالبات هویت خواهانه در میان اقوام ایران بر پایهٔ مذهب و قومیت با محوریت (زبان) استوار است تفاوت مطالبات عرب‌ها و آذری‌ها با مطالبات مشابه در مناطق کردنشین و بلوچ نشین این است که خواسته‌های مذهبی و زبانی در میان کردها و بلوچ‌ها جنبه عقیدتی و سیاسی به تحركات آنها داده است و مطالبات آنها جنبهٔ ساختار شکنی و تحول در اصول قانون اساسی دارد اما در میان آذری‌ها مطالبات در ظاهر و باطن تنها یک خواستهٔ مدنی در چارچوب قانون اساسی است. اگرچه عرب‌ها از لحاظ مذهبی با مذهب اکثریت مردمان ایران مشترک‌اند اما مطالبات آنها به نسبت مطالبات قومی آذری‌ها کمی شدیدتر و رادیکال‌تر است.

در یک نگرش کلی می‌توان ویژگی قومیتی در ایران را به انواع چهارگانه‌ای که در صفحه بعد آمده است، تقسیم کرد:

الف- اقوام گوناگون و اقلیت‌های مذهبی در مناطق مختلف کشور و مرزها اسکان یافته‌اند از این رو با توجه به این‌که قسمتی از ریشه‌های این اقوام در خارج از کشور نیز قرار دارد، امکان مداخله‌های خارجی و تنش‌زایی در کشور را افزایش می‌دهد این امر باعث گردیده است تا نگرش به قومیت‌ها از دیدگاه حاکمان ملغمه‌ای از تهدید و فرصت باشد.

ب- از طرفی دیگر، وجود گسل‌های فعال منازعه قومی و مذهبی درجداره‌های همسایگان ایران، مانند هندوستان، گرجستان، روسیه، لبنان، فلسطین و دیگر نقاط خاورمیانه، امکان بروز تهدیدهای قومی را فعال می‌کند.

ج- گروه‌های جمعیتی و قومی مناطق پیرامونی و حاشیه ای ایران از حیث تجانس با بخش مرکزی ایران، وضعیت‌های متفاوتی دارند و رفتار سیاسی آن‌ها نیز تا اندازه‌ای تابع نسبت تجانس آن‌ها با بخش مرکزی و میزان مداخله نیروهای تحریک کننده خارجی بوده است.

د- اقلیت‌های قومی که در هر سه متغیر قومیت، زبان و مذهب، فاقد تجانس لازم با بخش مرکزی‌اند، بیشترین درجه تفاوت نسبت به بخش مرکزی را دارند. سه قوم کرد، بلوچ و غیره ترکمن از این لحاظ وضع مشابهی دارند، ولی تجلی رفتار آن‌ها نسبت به بخش مرکزی، بسته به اقتدار دولت مرکزی، میزان احساس مشارکت در امور جاری کشور، انسجام درونی و شرایط و مقتضیات منطقه‌ای است (درویشی و امامی، ۱۳۸۹: ۱۳۵).

آن‌چه که در دیدگاه به قومیت‌ها حائز اهمیت است تلقی کردن آن‌ها به عنوان هویت‌های متصلب و سازش‌ناپذیر است. از طرفی دیگر با رشد و توسعه دولت ملی در قالب ناسیونالیسم فشارهای بیرونی در راستای حل کردن گفتمان‌های قومی در قالب گفتمان ملی بود. از این رو عملکرد قومیت‌ها در قالب فرهنگ خود به صورت اموری سازش‌ناپذیر تلقی شده است که باعث شده تا به صورت تهدیدآمیز با قومیت به خصوص اقلیت‌ها برخورد شود.

روش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها توصیفی است که با استفاده از روش برنامه‌ریزی راهبردی دیوید انجام شده است. مراحل پژوهش

شامل ارزیابی عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) و خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها)، تعریف چشم انداز، ارزش‌ها، تدوین سیاست‌های راهبردی و در نهایت تشکیل ماتریس QSPM است. جامعه این پژوهش شامل اساتید و اعضای هیات علمی و پژوهشگران حوزه قومیت و نهادهای مرتبط و روش نمونه‌گیری با روش نمونه‌گیری هدفمند بوده که تعداد ۵۲ نفر انجام پذیرفت.

برای استخراج نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها و همچنین برای تدوین راهبرد از طریق تشکیل پانل خبرگی متشکل از تعداد ۱۲ نفر از حجم نمونه انجام و برای سایر اعضایی که در هنگام تشکیل میز حاضر نبودند به‌صورت مراجعه حضوری مصاحبه به‌عمل آمده است. همچنین برای تدوین چشم انداز و اهداف و ارزش‌ها ضمن استفاده از نظر اعضای حاضر در پانل خبرگی از مصاحبه، رجوع به منابع و اسناد در دسترس نظیر منابع دینی (قرآن و نهج البلاغه)، منابع قانونی (قانون اساسی، سند چشم انداز، سند ملی آموزش، نقشه فرهنگی کشور و برنامه‌های توسعه) و بیانات مقام معظم رهبری و حضرت امام خمینی رحمت الله علیه مورد توجه قرار گرفت. در نهایت برای وزن دهی و رتبه‌بندی نقاط ضعف و قوت، فرصت و تهدید و راهبردهای استخراج شده از دو پرسشنامه استفاده شد. این پرسش‌نامه‌ها به‌منظور تعیین وزن و رتبه عوامل داخلی و خارجی در اختیار ۵۲ نفر از نخبگان حوزه قومی قرار گرفت. روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه توسط استادان و متخصصان تایید شد. برای سنجش پایایی از روش محاسبه آلفای کرونباخ از طریق نرم افزار SPSS بهره‌برداری که مقدار آن ۰/۸۸ به‌دست آمد که نشان داد پرسشنامه از لحاظ پایایی دارای اعتبار بالایی است.

یافته‌ها

در این بخش به ارائه یافته‌های به‌دست آمده از میزگردها، پرسش‌نامه‌ها و اسناد و مدارک بالادستی در قالب زیر بخش‌های ارزیابی عوامل داخلی و خارجی، چشم انداز، ارزش‌ها، تدوین راهبردها و تشکیل ماتریس QSPM و در نهایت راهکارهای اساسی تشکیل پرداخته می‌شود.

الف- ارزیابی عوامل داخلی و خارجی

در مرحله اول این پژوهش یعنی ارزیابی عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) و عوامل خارجی (فرصت و تهدید) مصاحبه با ۱۲ نفر از نخبگان انجام شد. نتایج زیر به دست آمد. جدول ۱ و ۲. در مرحله بعد این عوامل در قالب یک پرسشنامه طراحی شد و در اختیار ۵۲ نفر از نخبگان به منظور دادن وزن و رتبه به این عوامل قرار گرفت.

در اینجا داده‌های حاصل از ۵۲ پرسشنامه در اکسل وارد شد و وزن‌های به دست آمده متناسب سازی و میانگین رتبه هریک از نقاط قوت و ضعف و تهدید و فرصت محاسبه شد (جدول ۱ و ۲).

ارزیابی عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف)

نقاط قوت و ضعف داخلی، در زمره فعالیت‌های قابل کنترل سازمان قرار می‌گیرند که سازمان، آن‌ها را به شیوه‌های بسیار عالی یا بسیار ضعیف انجام می‌دهد. سازمان‌ها می‌کوشند راهبردهایی را به اجرا درآورند که نقاط قوت داخلی تقویت و ضعف‌های داخلی برطرف شود (دیوید، ۱۳۸۱: ۳۶).

نقاط ضعف و قوت استخراج شده، در ماتریسی به نام «ماتریس ارزیابی عوامل داخلی»^۱ قرار می‌گیرند. در این ماتریس، برای هر نقطه قوت و ضعف، یک وزن و یک رتبه اختصاص می‌یابد. وزن داده شده به هر نقطه قوت و ضعف، بیانگر اهمیت نسبی آن عامل به سایر عوامل است. مجموع این اوزان باید برابر یک باشد. علاوه بر وزن، برای هر نقطه قوت، ضعف، فرصت و تهدید یک رتبه نیز تعیین می‌شود. این رتبه، بیانگر میزان شدت و تأثیرگذاری عامل مربوط است. چنانچه نقطه قوت قابل توجه باشد، عدد ۴ و اگر عادی باشد، عدد ۳ به آن اختصاص می‌یابد. چنانچه نقطه ضعف جدی باشد، عدد ۱ و اگر عادی باشد، عدد ۲ به آن تعلق می‌گیرد. نمره نهایی هر نقطه قوت و ضعف، از ضرب وزن آن در رتبه‌اش به دست می‌آید. مجموع نمره‌های نهایی هر عامل، نمره نهایی عوامل داخلی سازمان را مشخص می‌کند. این نمره بین ۱ تا ۴ خواهد بود و میانگین آن ۲/۵ است. اگر نمره نهایی سازمان، کمتر از ۲/۵ باشد، بدین

معناست که سازمان از نظر عوامل درونی دچار ضعف است و اگر این نمره بیش از ۲/۵ باشد، بیانگر این است که سازمان از نظر عوامل درونی دارای قوت است (طیبی و ملکی، ۱۳۸۹: ۱۴۵-۱۴۳) در انتها، از ضرب وزن نرمال شده و میانگین رتبه هر کدام از این نقاط قوت و ضعف در یکدیگر، نمره آنها به دست آمد. نمره نقاط قوت و ضعف همگرایی قومی در ایران تقریباً معادل ۲/۲۳ است (جدول ۱).

جدول ۱. ماتریس IFE همگرایی قومی ایران

نوع عامل	کد	عنوان	وزن	رتبه	نمره
نقاط قوت	S1	وجود اشتراک‌های تاریخی، نمادین و مفاخر ملی در اقوام و هم راستا بودن هویت ملی با هویت قومی	۰/۰۴	۳/۳۲	۰/۱۲
	S2	وجود فرهنگ ایثار و از خودگذشتگی و حس بیگانه ستیزی در اقوام و تمایل آنها به حفظ یکپارچگی ایران و حفظ وحدت ملی	۰/۰۴	۳/۳۶	۰/۱۲
	S3	وجود روحیه اشتیاق به کار و تلاش و سختکوشی در اقوام	۰/۰۳	۳/۲۵	۰/۱
	S4	وجود حس افتخار به ایرانی و ایران گرایی در اقوام	۰/۰۴	۳/۴۲	۰/۱۲
	S5	وجود اقتدار دولت مرکزی در مناطق قوم نشین و توان برقراری امنیت نسبتاً مطلوب توسط حکومت مرکزی در این مناطق	۰/۰۳	۳/۳۷	۰/۱۱
	S6	وجود حاکمیت اسلام در ایران و وجود حس اسلام‌گرایی و اعتقادهای مشترک دینی در اقوام (علی رغم وجود تفاوت‌های مذهبی)	۰/۰۳	۳/۴۵	۰/۱۱
	S7	وجود آگاهی ملی در میان اقوام با ارتقای تحصیلات و گسترش ارتباطات	۰/۰۳	۳/۲۴	۰/۱۱
	S8	وجود آگاهی‌های عمومی جامعه برای پذیرش کثرت‌گرایی اجتماعی	۰/۰۳	۳/۲۴	۰/۱۱
	S9	غیر دائمی بودن اعتراض‌های قومی (اعتراض‌های قومی در ایران مقطعی است)	۰/۰۳	۳/۳	۰/۱
	S10	علاقمندی اقوام به حضور در ترکیب ملت و دولت ملی و جغرافیای سیاسی ایران (وجود حس تمایل به مرکز در اقوام)	۰/۰۳	۳/۳	۰/۱۱
	S11	وجود همبستگی، چسبندگی، ارتباط و اتصال اقوام ایرانی با هم (وجود حس مدارای قومی)	۰/۰۳	۳/۳۶	۰/۱۱
	S12	وجود نگاه غیر تعصب آمیز به مساله تنوع قومی در کلیت نظام جمهوری اسلامی	۰/۰۳	۳/۲۶	۰/۱
	S13	وجود احساس راحتی اقوام با زبان ملی فارسی در مراوده‌های	۰/۰۳	۳/۳۴	۰/۱

نوع عامل	کد	عنوان	وزن	رتبه	نمره
		اجتماعی			
نقاط ضعف	W1	وجود احساس محرومیت نسبی و تبعیض اقتصادی در اقوام	۰/۰۴	۱/۵۳	۰/۰۶
	W2	وجود سیاست‌های غیر منطقی توسعه و توزیع نابرابر فرصت اقتصادی در خصوص اقوام	۰/۰۳	۱/۵	۰/۰۵
	W3	بهره‌گیری نامناسب از ظرفیت اقتصادی اقوام (سرمایه‌های انسانی و مانند آن اقوام)	۰/۰۳	۱/۴۳	۰/۰۵
	W4	وجود و تداوم نظام عشیره‌ای و نهادهای سنتی در اقوام	۰/۰۳	۱/۳۲	۰/۰۴
	W5	وجود شبکه‌های اجتماعی آسیب‌زا در همگرایی اقوام	۰/۰۳	۱/۳۹	۰/۰۴
	W6	متراکم‌شدگی شکاف‌های فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و هویتی	۰/۰۳	۱/۴۲	۰/۰۵
	W7	وجود مرجع‌های ترویج حس واگرایی در اقوام نظیر نخبگان ناراضی و استفاده ابزاری آنان از اقوام	۰/۰۳	۱/۳۵	۰/۰۴
	W8	وجود آسیب‌های اجتماعی نظیر بیکاری، حاشیه‌نشینی و مانند آن در اقوام	۰/۰۳	۱/۴۲	۰/۰۴
	W9	وجود تمایل به مهاجرت داخلی و خارجی در اقوام	۰/۰۳	۱/۳۹	۰/۰۴
	W10	وجود نگاه امنیتی عدم حس اطمینان به اقوام و اغراق در مسائل قومی و مقابلا وجود حس بی‌اعتمادی و عدم مشارکت در اقوام در مدیریت‌های کلان	۰/۰۳	۱/۳۸	۰/۰۵
	W11	وجود انتظارات فزاینده در اقوام نسبت به حاکمیت و ناکامی‌های مترتب بر آن	۰/۰۳	۱/۳۵	۰/۰۴
	W12	وجود احساس عدم عدالت اجتماعی و فرهنگی در اقوام	۰/۰۳	۱/۵	۰/۰۵
	W13	کم‌توجهی به مولفه تمایزها و تفاوت‌های قومی در نظام سیاستگذاری	۰/۰۳	۱/۳۷	۰/۰۴
	W14	وجود نگاه تک فرهنگ‌گرایانه در نظام آموزشی	۰/۰۳	۱/۴۱	۰/۰۴
	W15	وجود حس ناسیونالیسم و قوم‌مداری در اقوام و وفاداری هویتی قومی نسبت به قوم خود	۰/۰۳	۱/۳۴	۰/۰۴
	W16	وجود برخی از زمینه‌ها و بسترهای بنیادگرایانه مذهبی در اقوام	۰/۰۳	۱/۳۱	۰/۰۴
	W17	وجود ضعف در تولید و عرضه گفتمان جدید و بازآفرینی هویت انتقادی در اقوام و ضعف رسانه در رفع نیازهای هویتی	۰/۰۳	۱/۳۹	۰/۰۴
	W18	وجود تمرکزگرایی شدید در حاکمیت و نداشتن نگاه بلندمدت و راهبردی به سیاستگذاری قومی و اختلاف ساختاری در روش مدیریت اقوام	۰/۰۳	۱/۵۱	۰/۰۵
جمع			۱		۲/۲۳

ارزیابی عوامل خارجی (تهدیدها و فرصت‌ها)

مقصود از فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی، رویدادها و روندهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بوم‌شناسی، محیطی، سیاسی، قانونی، دولتی، فناوری و رقابتی است که می‌توانند به میزان زیادی در آینده به سازمان منفعت یا زیان برسانند (دیوید، ۱۳۸۱: ۳۵). به سبب این که فرصت‌ها و تهدیدها به میزان زیادی از حیطه کنترل مدیریت ارشد سازمان خارج است، به آن‌ها عوامل خارجی می‌گویند (طیبی و ملکی، ۱۳۸۹: ۷۶).

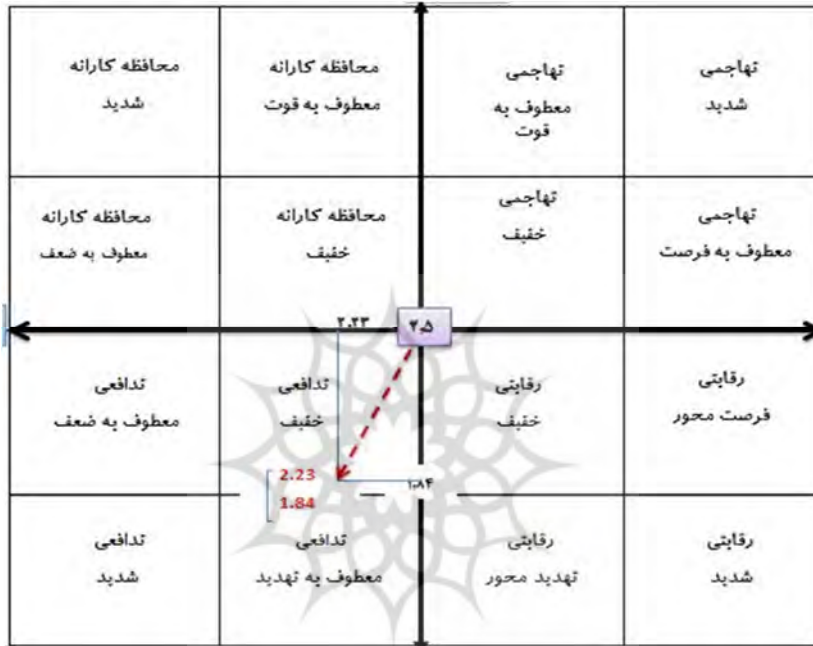
فرصت‌ها و تهدیدهای استخراج شده، در ماتریسی به نام «ماتریس ارزیابی عوامل خارجی»^۱ قرار می‌گیرند. در این ماتریس نیز، برای هر فرصت و تهدید، یک وزن و یک رتبه اختصاص می‌یابد. شیوه وزن‌دهی در این ماتریس دقیقاً شبیه ماتریس عوامل داخلی است. علاوه بر وزن، برای هر فرصت و تهدید یک رتبه نیز تعیین می‌شود. این رتبه بیانگر میزان اثربخشی راهبردهای کنونی شرکت در نشان دادن نسبت به عامل یاد شده است. عدد ۴ نشانگر واکنش بسیار عالی، عدد ۳ نشانگر واکنش بالاتر از حد متوسط، عدد ۲ نشانگر واکنش در حد متوسط، و عدد یک نشانگر واکنش ضعیف است. نمره‌ی نهایی هر عامل، از ضرب وزن آن در رتبه‌اش به دست می‌آید. مجموع نمره‌های نهایی هر عامل، نمره‌ی نهایی عوامل خارجی سازمان را مشخص می‌کند. حداکثر این نمره برابر ۴، حداقل آن برابر ۱ و حد متوسط آن ۲/۵ است. نمره ۴ بدین معناست که واکنش سازمان در استفاده از فرصت‌ها و اجتناب از تهدیدها عالی است. نمره ۱ بدین معناست که سازمان در تدوین راهبردهای خود نتوانسته است از فرصت‌ها بهره‌برداری و از تهدیدها احتراز کند. نمره ۲/۵ نشانگر تعادل بین فرصت‌ها و تهدیدهاست (طیبی و ملکی، ۱۳۸۹: ۱۴۵-۱۴۷). در انتها از ضرب وزن نرمال شده و میانگین رتبه هر کدام از این فرصت‌ها و تهدیدها در یکدیگر، نمره آن‌ها به دست آمد. نمره فرصت‌ها و تهدیدهای همگرایی قومی ۱/۸۴ است.

جدول ۲. ماتریس EFE همگرایی قومی در ایران

نوع عامل	کد	عنوان	وزن	رتبه	نمره
فرصت‌ها	O1	امکان جذب سرمایه‌های انسانی، مالی و فنی مهاجرین قومی به ایران	۰/۰۵	۳/۰۱	۰/۱۶
	O2	امکان تعامل فرهنگی اقوام با کشورهای همسایه به منظور برقراری دیپلماسی عمومی	۰/۰۶	۳/۰۶	۰/۱۸
	O3	وجود محبوبیت ایرانی و وجود نفوذ تاریخی اقوام در کشورهای پیرامونی	۰/۰۶	۳/۱۴	۰/۱۸
	O4	وجود حس مقاومت فرهنگی اقوام در برابر پروسه جهانی شدن و وفاداری اکثر اقوام به سبک زندگی سنتی/مذهبی	۰/۰۵	۳/۱۶	۰/۱۷
	O5	وجود مطلوبیت نسبی کیفیت زندگی اکثر اقوام ایرانی در قیاس با اقوام پیرامونی	۰/۰۶	۳/۰۰	۰/۱۷
تهدیدها	T1	تاثیرگذاری روند وضعیت جهانی سازی بر کاهش سیطره حکومت‌ها	۰/۰۶	۱/۳۸	۰/۰۸
	T2	تاثیرگذاری شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و رسانه‌های بیگانه در واگرایی اقوام	۰/۰۶	۱/۴۲	۰/۰۸
	T3	وجود اقلیم و مشکلات طبیعی در مناطق قومی و وجود ساختار توپوگرافیک غیر منسجم در استقرار اقوام	۰/۰۶	۱/۴۳	۰/۰۸
	T4	منطبق نبودن مرزهای سیاسی و قومی و استقرار اقوام مشابه در مناطق همجوار	۰/۰۵	۱/۲۸	۰/۰۷
	T5	وجود حس وفاداری به بافت عشیره‌ای و قومیتی در اقوام هم‌مرز	۰/۰۶	۱/۳۷	۰/۰۸
	T6	وجود تضادهای ایدئولوژیک شیعه و سنی ایران و همسایگان	۰/۰۵	۱/۳۱	۰/۰۷
	T7	وجود تردهای غیرقانونی در مرزهای ایران و کشورهای دارای دنباله قومی	۰/۰۶	۱/۳۷	۰/۰۸
	T8	وجود حفره‌ها و چالش‌های دولتی و بی‌ثباتی سیاسی در همسایگان	۰/۰۶	۱/۳۵	۰/۰۷
	T9	وجود گروه‌های واگرا و تجزیه طلب در اقوام برون مرزی	۰/۰۵	۱/۳۷	۰/۰۷
	T10	وجود کانون‌های ترویج وهابیت در همسایگان	۰/۰۵	۱/۲۹	۰/۰۷
	T11	وجود کانون‌های شرارت نظیر باندهای قاچاق و مانند آن در اطراف مرزها	۰/۰۵	۱/۳۱	۰/۰۷
	T12	وجود تبلیغات قوم گرایانه و اختلاف افکنانه از سوی بیگانگان	۰/۰۶	۱/۵۱	۰/۰۹
	T13	وجود امکان تحریک همسایگان، غیر همسایگان و معاندین به آشوب علیه حاکمیت در اقوام	۰/۰۶	۱/۴۵	۰/۰۸
جمع			۱/۰۰		۱/۸۴

ماتریس موقعیت راهبردی

با توجه به ماتریس‌های ارزیابی عوامل داخلی (IFE) و خارجی (EFE) موقعیت راهبردی همگرایی قومی به شرح زیر تعیین گردید. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود موقعیت راهبردی در منطقه تدافعی معطوف به تهدید قرار دارد.



شکل ۱. ماتریس موقعیت‌های راهبردی

مبانی، چشم‌انداز و ارزش‌های همگرایی قومی ایران چنان‌که قبلاً نیز گفته شد، برای تدوین چشم‌انداز و ارزش‌های همگرایی قومی از مصاحبه و بررسی اسناد مربوط به همگرایی قومی استفاده شد.

مبانی، اصول و ارزش‌ها

مبانی و اصول طرح همگرایی قومی مجموعه‌ای از ارزش‌ها و قواعد بنیادین و پایداری هستند که بر کلیه تصمیم‌ها و اقدام‌های حاکم است و هدایت‌کننده تدوین سیاست‌ها، راهبردها، برنامه‌ها و امور اجرایی برای نیل به اهداف تعیین شده است. این اصول و مبانی در دو بعد اصول و مبانی بنیادین و اصول و مبانی

کارکردی از منابعی نظیر قرآن کریم، نهج البلاغه، اندیشه مقام معظم رهبری و قانون اساسی و سایر اسناد بالا دستی احصا شده است.

اصول بنیادین: اصل دین محوری^۱، اصل کرامت و فطرت انسانی^۲، اصل پذیرش تعدد و تنوع قومی^۳، اصل سلم صلح و آشتی^۴، اصل برابری و عدم تبعیض^۵ و اصل رعایت حقوق شهروندی^۶.

اصول و مبانی کارکردی: اصل پذیرش خرد جمعی^۷، گسترش عدالت اجتماعی^۸، اصل سرمایه اجتماعی^۹، پرهیز از امنیتی سازی اقوام^{۱۰}، مشارکت دادن اقوام در امنیت^{۱۱}، همزیستی بین قومی^{۱۲}، همبستگی و وحدت بین قومی^{۱۳}، تکریم ارزش‌ها و رسوم قومی^{۱۴}، انسجام ملی و ارتقاء هویت ایرانی و اسلامی^{۱۵} و پذیرش تنوع و تفاوت های فرهنگی اقوام ایرانی^{۱۶}.

جدول ۳. بیانیه ارزش‌ها

ردیف	بیانیه ارزش‌ها		
	ارزش‌های اسلامی	ارزش‌های اخلاقی	ارزش‌های ملی
۱	ایمان و گرایش به توحید	سنت‌های حسنه	پیشینه تمدنی مفاخر ملی و میراث فرهنگی
۲	اسلامی بودن نظام	حفظ کرامت حقوق و آزادی‌های	حفظ وحدت و همبستگی ملی

۱- انفال/۶۳

۲- حجرات/۱۳

۳- روم/۲۲

۴- بقره/۲۰۸

۵- نهج البلاغه خ ۲۱۶

۶- قانون اساسی اصول ۳۱، ۳۰، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۰، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۷.

۷- بیانات رهبری-۸/۴/۸۴

۸- امام خمینی صحیفه نور

۹- بیانات رهبری-۲۴/۲/۸۸

۱۰- بیانات رهبری-۲۲/۲/۸۸

۱۱- بیانات رهبری-۲۹/۲/۸۸

۱۲- بیانات رهبری-۲۷/۶/۷۵

۱۳- بیانات رهبری-۲۶/۱۲/۹۲

۱۴- بیانات رهبری-۲۹/۲/۸۸

۱۵- سند ملی آمایش

۱۶- نقشه مهندسی فرهنگی کشور

ردیف	بیانیه ارزش‌ها		
	ارزش‌های اسلامی	ارزش‌های اخلاقی	ارزش‌های ملی
	سیاسی	انسانی	
۳	حضور موثر ولایت فقیه	تلاش برای جریان عدالت در تمامی شئون	اتکا نظام سیاسی به آرای عمومی (جمهوریت)
۴	مراسم‌های آیینی	مبارزه با ظلم و حمایت از مظلوم و مستضعفان	حفظ تمامیت ارضی

چشم‌انداز

چشم‌انداز، یعنی این که سازمان خودش را در آینده چگونه می‌خواهد ببیند و شامل موارد زیر است: می‌خواهیم چه بشویم، در چه حد و اندازه، در چه جهتی و در چه قالب زمانی می‌خواهیم حرکت کنیم (حسنقلی‌پور و آقازاده، ۱۳۸۴). چشم‌انداز پیشنهادی برای همگرایی قومی به صورت زیر است:

جمهوری اسلامی ایران اسوه‌ای پیشتاز در شکل‌دهی به جامعه‌ای اسلامی و متکثر و متنوع قومی مبتنی بر برادری، اتحاد، همدلی و صمیمیت، بدون نگاه تعصب آمیز قوم‌گرا و یک‌جانبه‌نگر.

تدوین سیاست‌های راهبردی بر پایه ماتریس سوات^۱

اصل اساسی مدیریت راهبردی این است که واحدها برای بهره جستن از قوت‌های داخلی و فرصت‌های خارجی، از بین بردن ضعف‌های داخلی و اجتناب از تهدیدهای خارجی، درصدد تدوین راهبرد برآیند (دیوید، ۱۳۸۱: ۳۶). راهبردها باعث می‌شوند واحد با طی مراحل تدریجی، از حالت کنونی خود پا را فراتر بگذارد و به پایگاه مورد نظر در آینده دست یابد (دیوید، ۱۳۸۱: ۳۸۴). افرادی که مسئول تعیین مأموریت سازمان، بررسی عوامل داخلی و خارجی بوده‌اند، باید راهبردهای گوناگون را شناسایی و آن‌ها را ارزیابی کنند. در ضمن، همه کسانی که در بررسی و انتخاب راهبردها مشارکت می‌کنند، باید اطلاعات حاصل از بررسی‌های داخلی و خارجی سازمان را در اختیار داشته باشند (دیوید، ۱۳۸۱: ۳۵۰). در بررسی راهبردها، باید راهبردهایی انتخاب شوند که

به بهترین شکل ممکن دستیابی به مأموریت و هدفهای بلندمدت را فراهم کنند.

یکی از ابزارهای قدرتمند و مفید در تدوین راهبرد، ماتریس سوات است که در صورت بهره‌برداری مؤثر و مناسب از آن، اساس و معیار خوبی برای تدوین راهبرد به سازمان می‌دهد. با استفاده از این ماتریس، می‌توان بین فرصت‌ها و تهدیدها (عوامل خارجی) فراروی سازمان با نقاط قوت و ضعف آن توازن برقرار و چهار گروه راهبردی ممکن را به شرح زیر ایجاد کرد:

راهبردهای SO: این راهبردها ماهیتی هجومی داشته و بر بهره‌گیری از نقاط قوت و منتفع شدن از فرصت‌ها تأکید دارند.

راهبردهای ST: این راهبردها، نقاط قوت یک سازمان را به عنوان روشی برای پرهیز از تهدیدها، مورد توجه قرار می‌دهند.

راهبردهای WO: این راهبردها، به بهره‌گیری از فرصت‌ها از طریق غلبه بر نقاط ضعف تأکید می‌کنند.

راهبردهای WT: این راهبردها، ماهیتی دفاعی دارند و بر به حداقل رساندن نقاط ضعف و پرهیز از تهدیدها تأکید می‌کنند (طیبی و ملکی، ۱۳۸۹: ۱۴۷-۱۵۰).

در این مرحله، نخبگان با تشکیل پنل تخصصی و مصاحبه با استفاده از ماتریس‌های عوامل داخلی و عوامل خارجی مرحله قبل، به تدوین راهبردهای مناسب برای وضعیت همگرایی قومی پرداختند. این راهبردها از تقابل نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها در ماتریس SWOT به دست آمد و در مجموع ۱۱ راهبرد پیشنهاد شد (جدول ۴).

جدول ۴. ماتریس SWOT همگرایی قومی

ماتریس راهبردها	نقاط قوت s	نقاط ضعف w
فرصت O	راهبردهای تهاجمی sO: • استفاده از ظرفیت حاکمیت اسلامی و اشتیاق دینی در میان اقوام برای بهره‌گیری از دیپلماسی فرهنگی در دنباله‌های فرامرزی اقوام • استفاده از ظرفیت اشتراک‌های تاریخی، تمدنی اقوام در جهت بهره‌گیری از محبوبیت ایرانی • توسعه و تعمیق فرهنگ ایثار و از خود گذشتگی و بیگانه ستیزی اقوام برای بهره‌گیری از ایران وطنی اقوام	راهبردهای (محافظه کارانه) wO • اجتناب از اتخاذ سیاست‌های غیر منطقی توسعه با استفاده از ظرفیت‌های تعامل اقتصادی با همسایگان • اجتناب از نگاه تک فرهنگ گرایانه در کشور با استفاده از زمینه‌های تعاملی فرهنگی هویتی اقوام • مقابله با متراکم شدن شکاف‌های هویتی اقوام به‌منظور مقابله با کانون‌های واگرا
تهدید t	راهبردهای رقابتی st: • تقویت و ارتقای ظرفیت‌های مدیریتی اقوام به‌منظور مقابله با مداخله‌های منطقه‌ای • ارتقای میزان آگاهی‌های ملی در میان اقوام برای اجتناب از پیوند عشیره‌ای دو طرف مرز • استفاده از روحیه اشتیاق به کار و تلاش و سخت کوشی اقوام برای اجتناب از اثرات اقلیمی و ژئوپلیتیکی • استفاده از ارتقای سطح مشروعیت نظام سیاسی برای اجتناب از مطالبات خودمختاری کانون‌های مخرب همجوار و چالش‌های جهانی سازی • استفاده از ظرفیت پذیرش تمایزها و تفاوت‌های قومی در نظام جمهوری اسلامی برای اجتناب از اثرات مخرب گفتمان سازی علیه کشور	راهبردهای تدافعی wt • اجتناب از جزم اندیشی در ارکان اداری و اجرایی کشور به‌منظور مقابله با پیامدهای اختلاف افکنانه در اقوام • رفع احساس محرومیت نسبی و بی عدالتی اجتماعی به‌منظور مقابله با تاثیرگذاری رسانه‌ای بیگانگان در واگرایی اقوام • مقابله با بسترهای ترویج افراطی گری مذهبی به‌منظور مقابله با پیامدهای بنیادگرایی افراطی در منطقه • اجتناب از نگاه امنیتی و اغراق آمیز در مسائل قومی به‌منظور مقابله با پیامدهای واگرایانه

ماتریس کمی برنامه‌ریزی راهبردی^۱ (QSPM)

پس از تدوین راهبردها، می‌توان با استفاده از روش‌هایی مثل ماتریس کمی برنامه‌ریزی راهبردی، آن‌ها را اولویت‌بندی کرد. با استفاده از این ماتریس، راهبردهای به‌دست آمده براساس تحلیل سوات، مقایسه و براساس آن، راهبردهای اولویت‌دار تعیین می‌شوند. برای مشخص شدن نحوه عمل، مثالی

آورده می‌شود. راهبرد الف را در نظر بگیرید. هدف این است که «میزان جذابیت کل»^۱ این راهبرد مشخص شود. برای این منظور، ابتدا باید عوامل داخلی و خارجی را که در مراحل قبلی به‌دست آمده است، در یک ستون نوشته و وزنی را که برای هر عامل، به‌دست آمده، روبروی آن ثبت کرد. سپس در روبروی هر عامل، عدد دیگری باید نوشته شود که بیانگر میزان تأثیر آن عامل بر اتخاذ راهبرد الف است. این عدد را نمره جذابیت راهبرد می‌نامند. راهبرد بسیار جذاب عدد ۴، راهبرد دارای جذابیت معقول عدد ۳، راهبرد تا حدی جذاب عدد ۲ و راهبرد بدون جذابیت، عدد ۱ می‌گیرد. چنانچه عاملی در اتخاذ راهبردی تأثیر نداشته باشد، نمره جذابیت آن راهبرد در مقایسه با آن عامل صفر در نظر گرفته می‌شود. حاصل ضرب نمره جذابیت در وزن عامل، جذابیت نسبی راهبرد است که تنها باتوجه به اثر عامل مربوط به‌دست می‌آید. مجموع نمره جذابیت‌های نسبی، جذابیت کل راهبرد را مشخص می‌کند. مراحل ذکر شده، باید برای همه راهبردها صورت بگیرد. مقایسه راهبردها و اولویت‌بندی آن‌ها، براساس نمره جذابیت کل آن‌ها صورت می‌گیرد. راهبردهایی که نمره جذابیت آن‌ها بیشتر است، نسبت به سایر راهبردها اولویت بیشتری دارند (طیبی و ملکی، ۱۳۸۹: ۱۵۱-۱۵۳).

بنابراین، در این مرحله سیاست‌های تدوین شده و عوامل داخلی و خارجی در قالب ماتریس QSPM برای نمره دادن در اختیار نخبگان قرار گرفت. سپس، اطلاعات این ماتریس در نرم‌افزار اکسل جهت تجزیه و تحلیل‌های بعدی وارد گردید. ابتدا در اکسل میانگین نمره‌های این ۱۲ نفر محاسبه شد و سپس این نمره‌ها در ماتریس QSPM به‌منظور محاسبه TAS قرار گرفت. در نهایت، پس از ضرب وزن نقاط قوت، ضعف، تهدیدها و فرصت‌ها در نمره به‌دست آمده، TAS برای هر یک از راهبردهای تدافعی محاسبه شد. چنان‌که اطلاعات جدول ۵ نشان می‌دهد، بیشترین نمره یا امتیاز، به راهبردهای WT تعلق دارد.

جدول ۵. امتیاز TAS محاسبه شده برای هر راهبرد

ردیف	راهبرد	امتیاز
۱	رفع احساس محرومیت نسبی و بی عدالتی اجتماعی به منظور مقابله با تاثیرگذاری رسانه‌ای بیگانگان در واگرایی اقوام (WT2)	۵/۵۳
۲	اجتناب از نگاه امنیتی و اغراق آمیز در مسائل قومی به منظور مقابله با پیامدهای واگیرانه (WT1)	۵/۵۱
۳	مقابله با بسترهای ترویج افراطی گری مذهبی به منظور مقابله با پیامدهای بنیادگرایی افراطی در منطقه	۵/۴۰
۴	اجتناب از جزم‌اندیشی در ارکان اداری و اجرایی کشور به منظور مقابله با پیامدهای اختلاف افکنانه در اقوام	۵/۳۴
۵	استفاده از ظرفیت حاکمیت اسلامی و اشتیاق دینی در میان اقوام برای بهره‌گیری از دیپلماسی فرهنگی در دنباله‌های فرامرزی اقوام	۴/۴۲
۶	استفاده از ظرفیت اشتراکات تاریخی، تمدنی اقوام در جهت بهره‌گیری از محبوبیت ایرانی	۴/۳۸
۷	توسعه و تعمیق فرهنگ ایثار و از خود گذشتگی و بیگانه ستیزی اقوام برای بهره‌گیری از ایران وطنی اقوام	۴/۲۸
۸	اجتناب از اتخاذ سیاست‌های غیرمنطقی توسعه با استفاده از ظرفیت‌های تعامل اقتصادی با همسایگان	۴/۲۲
۹	اجتناب از نگاه تک فرهنگ گرایانه در کشور با استفاده از زمینه‌های تعاملی فرهنگی هویتی اقوام	۴/۱۳
۱۰	تقویت و ارتقای ظرفیت‌های مدیریتی اقوام به منظور مقابله با مداخلات منطقه‌ای	۳/۹۵
۱۱	ارتقای میزان آگاهی‌های ملی در میان اقوام برای اجتناب از پیوند عشیره‌ای دو طرف مرز	۳/۹۵
۱۲	استفاده از روحیه اشتیاق به کار و تلاش و سخت کوشی اقوام برای اجتناب از تاثیرهای اقلیمی و ژئوپلیتیکی	۳/۹۲
۱۳	استفاده از ارتقای سطح مشروعیت نظام سیاسی برای اجتناب از مطالبات خودمختاری کانون‌های مخرب همجوار و چالش‌های جهانی سازی	۳/۸۸
۱۴	استفاده از ظرفیت پذیرش تمایزها و تفاوت‌های قومی در نظام جمهوری اسلامی برای اجتناب از آثار مخرب گفتمان سازی علیه کشور	۳/۸۷

تدوین راهکارهای اساسی و الزام‌های برای چهار راهبرد اولویت‌دار

برای تحقق راهبردهای منتخب در این بخش، راهکارهای اجرایی برای تحقق راهبردهای منتخب بر اساس پانل خبرگی و مصاحبه به شرح زیر احصاء می‌شود:

راهبرد اول: رفع احساس محرومیت نسبی و بی‌عدالتی اجتماعی برای مقابله با تأثیرگذاری رسانه‌ای بیگانگان در واگرایی اقوام

جدول ۶. الزام‌های راهکارهای مرتبط با راهبرد اول

الزام‌های	راهکار
تدوین شاخص‌های عدالت منطقه‌ای و تخصیص بودجه متوازن	توسعه عادلانه اقتصادی و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای
ایجاد بانک اطلاعاتی منطقه‌ای و سیاست‌گذاری مبتنی بر داده	توزیع متوازن منابع و فرصت‌های اقتصادی در مناطق قومی
اعطای تسهیلات هدفمند و معافیت مالیاتی در مناطق کمتر توسعه‌یافته	حمایت از سرمایه‌گذاری‌های محلی و ایجاد اشتغال پایدار
ایجاد سامانه شفاف‌سازی مالی و نظارت مردمی	افزایش شفافیت در تخصیص بودجه‌های عمرانی و اجتماعی
اختصاص بودجه ویژه به ساخت و تجهیز مدارس و دانشگاه‌ها	بهبود زیرساخت‌های آموزشی در مناطق قومی
طراحی نظام عادلانه بورسیه با نظارت بر عدالت توزیع	ارائه بورسیه‌های آموزشی ویژه برای مناطق محروم
نیازسنجی منطقه‌ای و بازنگری در محتوای آموزش مهارتی	گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای متناسب با نیازهای منطقه‌ای
بازنگری در مقررات جذب و استخدام با رویکرد ضد تبعیض	اصلاح قوانین برای جلوگیری از تبعیض در استخدام
ایجاد نهاد ناظر بر تبعیض قومی با مشارکت نخبگان محلی	تقویت نظارت بر اجرای قوانین برابری حقوقی
حمایت از رسانه‌های محلی و هنرمندان قومی در تولید محتوا	تولید محتوای رسانه‌ای مثبت درباره مشارکت اقوام

راهبرد دوم: اجتناب از نگاه امنیتی و اغراق‌آمیز در مسائل قومی برای مقابله با پیامدهای واگرایانه

جدول ۷. الزام‌های راهکارهای مرتبط با راهبرد دوم

الزام‌ها	راهکار
تدوین سیاست امنیت انسانی با محوریت گفت‌وگو و اعتمادسازی	بازنگری در سیاست‌گذاری‌های امنیتی با رویکرد اجتماعی
آموزش نیروهای امنیتی به رویکردهای نرم و پیشگیرانه	جایگزینی سیاست‌های گفت‌وگو محور به جای سرکوب
اعطای اختیار حقوقی و بودجه‌ای به شوراها و بزرگان محلی	تقویت نهادهای محلی برای حل اختلاف‌های قومی
تشکیل میزهای گفت‌وگو در استانداری‌ها و نهادهای فرهنگی	ایجاد سازوکار گفت‌وگوی قومی با حضور نخبگان
ایجاد ساختارهای قانونی برای رسیدگی سریع و مردمی	تشکیل کمیسیون‌های حل اختلاف منطقه‌ای
تدوین دستورالعمل‌های رسانه‌ای و آموزشی برای مسئولان	جلوگیری از بازنامی قومیت‌ها به عنوان تهدید
همکاری رسانه ملی با دانشگاه‌ها و گروه‌های فرهنگی قومی	ترویج گفت‌وگو متنوع مثبت در رسانه‌ها
تغییر قوانین برای واگذاری اختیارها به مناطق قومی	افزایش نقش شوراهای محلی در تصمیم‌گیری

الزامها	راهکار
اصلاح سازوکار انتخاب و انتصاب با معیارهای تنوع‌پذیر	مشارکت نخبگان قومی در مناصب ملی
انتقال رویکرد هزینه‌کرد از امنیتی به توسعه‌ای	تخصیص بودجه به‌جای تدابیر امنیتی در مناطق قومی

راهبرد سوم: مقابله با بسترهای ترویج افراط‌گرایی مذهبی برای جلوگیری از پیامدهای بنیادگرایی افراطی در منطقه

جدول ۸. الزام‌های راهکارهای مرتبط با راهبرد سوم

الزامها	راهکار
شناسایی و تقویت شبکه علما و سخنرانان معتدل در مناطق حساس	حمایت از علمای معتدل
برگزاری نشست‌های فقهی و گفت‌وگوهای دینی در استان‌های مرزی	ایجاد فضای تعامل بین مذاهب
تدوین محتوای آموزشی با رویکرد هم‌زیستی و حقوق بشر	بازنگری در محتوای آموزشی مدارس
آموزش مربیان دینی بر مبنای رویکردهای اعتدالی و فراجناحی	ترویج آموزش دینی عقل‌گرایانه
تشکیل کارگروه‌های رصد و اقدام‌های قضایی دقیق و هوشمندانه	مقابله با منابع فکری و مالی جریان‌های افراطی
تأسیس کانال‌های فرهنگی مذهبی با رویکرد ملی و اعتدالی	توسعه رسانه‌های معتدل برای مقابله با افراط‌گرایی
اجرای طرح‌های رفاهی با همکاری نهادهای دینی و مردمی	بهبود معیشت در مناطق مستعد افراطی‌گری
حمایت مالی و حقوقی از انجمن‌های دینی صلح‌طلب و مردم‌نهاد	تقویت نهادهای مدنی دینی
افزایش همکاری با نهادهای بین‌المللی برای نظارت سایبری	مسدودسازی شبکه‌های افراطی در فضای مجازی
تولید بسته‌های آموزشی برای والدین و مدارس با رویکرد پیشگیرانه	آموزش خانواده‌ها برای مقابله با گرایش افراطی

راهبرد چهارم: اجتناب از جزم‌اندیشی در ارکان اداری و اجرایی کشور برای مقابله با پیامدهای اختلاف‌افکنانه در اقوام

جدول ۹. الزام‌های راهکارهای مرتبط با راهبرد چهارم

الزامها	راهکار
ایجاد مقررات صریح برای تنوع‌گرایی در سطوح اداری	تدوین سیاست‌های منع تبعیض در انتصابات
راه‌اندازی سامانه‌های شفاف‌سازی و پاسخگویی عمومی	افزایش شفافیت در تصمیم‌گیری‌های اداری
اختصاص سهمیه قانونی یا سیاست‌های ترجیحی در مناصب اجرایی	حضور فعال اقوام در ساختارهای حکمرانی
برگزاری نشست‌های منطقه‌ای با نخبگان محلی برای تصمیم‌سازی	استفاده از روش‌های مشورتی در مدیریت

راهکار	الزامها
تقویت شوراهای محلی در اجرای تصمیمها	اصلاح قوانین شوراها برای افزایش اختیارات اجرایی واقعی
افزایش اختیارات استانها در مدیریت محلی	بازنگری در نظام تقسیمات کشوری و تفویض اختیارات مالی
آموزش مدیران درباره تنوع قومی	طراحی دورههای آموزشی الزامی برای مدیران دولتی
ترویج چندفرهنگ گرایی در ادارات	تدوین آیین نامه رفتاری و فرهنگی برای دستگاههای اجرایی
ارتقای مدیران همگرا و اعتدالی	شناسایی و تقویت مدیران بومی خوش سابقه و مردمی
مقابله با کلیشه های قومی در ادبیات اداری	اصلاح فرمها، اسناد رسمی و بیانیه های اداری جهت زدودن تبعیض پنهان

بحث و نتیجه گیری

نتیجه گیری تحلیل همگرایی قومی در ایران از طریق مدل SWOT نشان می دهد که این کشور از ظرفیت های ارزشمندی برای ارتقای انسجام ملی برخوردار است. نقاط قوت شامل تاریخ و تمدن مشترک، پیوندهای فرهنگی، نقش دین در ایجاد وحدت، روحیه ایثار و مشارکت اجتماعی، و تأثیر مثبت انقلاب اسلامی بر هویت ملی است. این عوامل نقش مهمی در تقویت احساس همبستگی میان اقوام مختلف ایرانی دارند. در مقابل، نقاط ضعف شامل تمرکزگرایی در نظام اداری و اقتصادی، بی عدالتی در توزیع منابع، تبعیض های اجتماعی، فقدان نظام کارآمد برای مشارکت سیاسی اقوام، و نگرش امنیتی به مسائل قومی است. این چالش ها می توانند موجب تضعیف اعتماد عمومی و افزایش واگرایی در میان گروه های مختلف شوند. فرصت های پیش رو شامل ظرفیت های فرهنگی برای همگرایی، قانون اساسی به عنوان چارچوبی برای برابری، گسترش سواد و آگاهی اجتماعی، ارتباطات رسانه ای و امکان تعامل بین اقوام، و ظرفیت های ژئوپلیتیکی ایران در منطقه است. از سوی دیگر، تهدیدهای بالقوه شامل افزایش تحریک های قوم گرایانه، نفوذ رسانه های خارجی، تضعیف ارزش های ملی، سوءاستفاده گروه های معاند از شکاف های قومی و مذهبی، و تأثیرگذاری جریان های بنیادگرا بر هویت قومی است.

با توجه به این تحلیل، راهبردهای پیشنهادی برای تقویت همگرایی قومی شامل: اصلاح ساختارهای اداری و اقتصادی برای رفع احساس محرومیت و

نابرابری، توزیع عادلانه فرصت‌ها و منابع، و افزایش نقش اقوام در تصمیم‌گیری‌های کلان. اجتناب از نگاه امنیتی به مسائل قومی و جایگزینی آن با سیاست‌های مبتنی بر گفت‌وگو، مشارکت و تعامل فرهنگی. تقویت هویت ملی از طریق آموزش و رسانه‌ها با تأکید بر میراث مشترک، تقویت زبان و فرهنگ ایرانی، و مقابله با جریان‌های تجزیه‌طلب. تقویت دیپلماسی داخلی و بین‌المللی برای کاهش تأثیرهای منفی جریان‌های قوم‌گرایانه خارجی و تقویت همبستگی داخلی. ترویج چندفرهنگ‌گرایی در سیاست‌گذاری با تأکید بر مشارکت همه اقوام در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی.

کاهش جزم‌اندیشی و ترویج گفتمان عقلانی در سیاست‌گذاری‌ها برای جلوگیری از تقویت احساس تبعیض و واگرایی. در نهایت، با تأکید بر تعامل خرد جمعی، چندفرهنگ‌گرایی، میهن‌دوستی و برساخته‌گرایی قومی، می‌توان با استفاده از ظرفیت‌های داخلی و کاهش تهدیدهای خارجی، فرآیند انسجام ملی را تقویت کرد. تحقق این مهم نیازمند همکاری نهادهای حاکمیتی، جامعه مدنی، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و نخبگان قومی است تا با تدوین و اجرای سیاست‌های جامع، زمینه‌های افزایش اعتماد و همبستگی در کشور فراهم شود.

سپاسگزاری

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی است که با مشارکت جمعی از اساتید و خبرگان حوزه سیاست‌گذاری و خط مشی‌گذاری انجام گرفته و تاکنون از هیچ حمایت مالی استفاده نکرده است. نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از کلیه اساتید مشارکت‌کننده در این پژوهش و همچنین، نهادها و سازمان‌هایی که در اجرای این پژوهش، یاری‌گر بوده‌اند، از جمله عوامل و دست‌اندرکاران دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی کمال تشکر و قدردانی را ابراز کنند.

منابع

- امام خمینی، روح الله. (۱۳۷۸). صحیفه امام؛ مجموعه آثار امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- احمدی، حمید. (۱۳۸۳). قومیت و قومگرایی در ایران: افسانه یا واقعیت. تهران، نشر نی.
- برزیان، علی قنبری، ظهیری نیا، مصطفی. (۱۴۰۲). هویت قومی در جامعه ایرانی: همگرایی یا واگرایی (مرور نظام مند مطالعات کمی از ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۱)، مجله مسائل اجتماعی ایران، ۱۴(۲)، ۲۵۲-۲۲۷. <https://jspi.khu.ac.ir/article-1-3668-fa.html>
- پوررجبی، میلاد؛ مجدی، علی اکبر. (۱۴۰۰). عوامل مؤثر بر بحران قوم مداری در تضعیف همبستگی ملی (یک مدل سازی نظری در شرایط بحرانی جوامع شهری). مطالعات مدیریت بحران، ۱۳(۳)، ۷-۳۲. https://cmj.ihu.ac.ir/article_206825.html
- جعفرزاده پور، فروزنده، حیدری، حسین. (۱۳۹۳). فراتحلیل رابطه هویت ملی و هویت قومی در ایران. راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۳(۱۱)، ۶۳-۹۶. https://rahbordfarhangi.csr.ir/article_123257.html
- درویشی، فرهاد، امامی، اعظم. (۱۳۸۹). قومیت ها و همبستگی ملی در جمهوری اسلامی ایران (چالش ها و راهکارها)، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۰، ۱۲۱-۱۴۸. <https://ensani.ir/file/download/article/20120329103638-2079-5.pdf>
- دشتی، فرزانه؛ عیوضی، محمد رحیم. (۱۳۹۷). عوامل مؤثر در ارتقاء همگرایی اقوام ایرانی در عصر جهانی شدن، پژوهش نامه انقلاب اسلامی، ۸(۲۹)، ۱۳۹-۱۶۶. https://rjir.basu.ac.ir/article_2641.html
- دیوید، فرد آر. (۱۳۸۱). مدیریت استراتژیک، ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- رمضان زاده، عبدالله. (۱۳۷۷). روند بحران قومی در ایران، مطالعات راهبردی، ۱۱(۱)، ۲۱۷.
- صفوی، سید یحیی، علی پور، عباس و حیدری، جهانگیر. (۱۳۹۶). نقش اقوام در انسجام و تحکیم قدرت ملی. نشریه علمی مطالعات راهبردی ناجا، ۲(۴)، ۱۳۵-۱۰۹. <https://iranjournals.nlai.ir/handle/123456789/6176>
- طبیبی، سید جمال الدین؛ محمدرضا، ملکی. (۱۳۸۹). برنامه ریزی استراتژیک. تهران: ترمه.

- عموزاد خلیلی، سجاد؛ دارا، جلیل؛ هاشمی خواه، زینب؛ علیپور، عباس. (۱۴۰۳). بررسی و مقایسه ابعاد هویت قومی و هویت ملی در اقوام ترکمن. فصلنامه آفاق امنیت، ۱۷ (۶۳)، ۲۵۹-۲۸۴. https://ps.ihu.ac.ir/article_209462.html
- میلانی، محسن. (۱۳۸۵). شکل‌گیری انقلاب اسلامی از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی، ترجمه مجتبی عطار زاده، تهران، گام نو.
- ولی، عباس؛ بزار سلان، حمید؛ ون بروئینسن، مارتین؛ حسین پور، امیر؛ فوکارو، نلیدا. (۱۳۹۸). گفتار در خاست‌گاه ناسیونالیسم کرد، مراد روحی، مترجم، تهران، چشمه.
- Amirahmadi Hoshang. (1987). A Theory of collective Movements and its Application to Iran. Ethnic and Racial Studies, 10(4).363-391 <https://doi.org/10.1080/01419870.1987.9993578>
- Gill, M. (2025). Settled, industrious, essential: It's time we saw immigration as a British success story. The Guardian. <https://www.theguardian.com/commentisfree/2025/feb/01/settled-industrious-essential-its-time-we-saw-immigration-as-a-british-success-story>
- Haeger, H. D., & Moore, M. T. (2023). Intersecting identities: Examining the interaction of ethnic identity with science identity in NHPI students. CBE—Life Sciences Education. American Society for Cell Biology.